

فلسطین

از منظر

حضرت آیت الله العظمی خاмене‌ای (مدّ ظلّه العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی



مجلس شورای اسلامی ایران

مدرسنامه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور: فلسطین (از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر
معظم انقلاب اسلامی) / به کوشش: سعید صلح‌میرزایی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب
اسلامی)، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص.

قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۰۲-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - نظریه درباره فلسطین

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - پیامها و سخنرانیه‌ها

موضوع: فلسطین

شناسه افزوده: صلح‌میرزایی، سعید ۱۳۵۸ -

شناسه افزوده: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ اف ۸/۱۶۹۲ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۷۰۶۷۰



دفتر نشر و انتشارات علمی و فرهنگی

فلسطین

از منظر

حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: سعید صلح‌میرزایی

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰

۶۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۰۲-۴

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه عطارد، شماره ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۱۰۶۴۹

تهران، صندوق پستی: ۶۱۳ - ۱۳۱۸۵ - پست الکترونیکی: Book@khamenei.ir

پیشگفتار

بر هیچ کس پوشیده نیست که انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌ی مبانی دین مبین اسلام به وجود آمده است. بر همین اساس حمایت از منافع جهان اسلام و بالخصوص ملت‌های مظلوم مسلمان از اولین شعارهایی بود که توسط بنیانگذار مقدس جمهوری اسلامی قدس سره مطرح گردید.

این در حالی بود که رژیم منحوس پهلوی جزو اولین دولت‌های اسلامی بود که اسرائیل این دولت جعلی را به رسمیت شناخته بود.

آرمان امام خمینی قدس سره جان تازه‌ای به پیکر انتفاضه دمید و ابتکار تعیین جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان به عنوان «روز جهانی قدس» عامل ماندگاری مسأله‌ی فلسطین گردید.

پس از ارتحال آن حکیم الهی، علم این آرمان‌خواهی بر دوشی خلف صالح او یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام ظلّه العالی قرار گرفت.

گستره‌ی اطلاعات معظم له و اشراف ایشان بر مبانی فقهی، تاریخی و سیاسی مسأله‌ی فلسطین، هر محقق و شیفته‌ی علم را به پای سخن ایشان می‌کشاند.

اثر حاضر تلاشی ناچیز به منظور تسهیل استفاده‌ی علاقه‌مندان بهره‌مندی از محضر ایشان است.

براساس وعده‌ی صدق ایشان، آزادی فلسطین و نابودی اسرائیل از وقایع
حتمی خواهد بود و امیدواریم که ما نیز آن روز طلایی را ببینیم و به امامت
ایشان در قدس، نماز برپا نماییم.

www.ketab.ir

فهرست

۲۵	مقدمه
۳۹	یادی از دومین روز قدس
۳۹	روز قدس؛ روز اسلام، انسانیت، انقلاب و امام
۳۹	امتیاز روز قدس بر ایام الله دیگر
۴۰	روز قدس؛ روز شکستن پشت مستکبران امریکایی و مزدوران صهیونیستش
۴۰	آینده‌ی فلسطین
۴۱	وعده‌ی الهی؛ شکست دوباره‌ی بنی اسرائیل
۴۱	مسأله‌ی فلسطین یک مسأله‌ی انسانی؛ نه صرفاً عربی یا اسلامی
۴۲	جنايات صهیونیست‌ها؛ بی سابقه در دنیا
۴۲	غده‌ی چرکین سرطانی به نام اسرائیل؛ مایه‌ی تفرقه‌ی دولتهای مسلمان
۴۳	شکست اسرائیل توسط مسلمانان؛ عامل خوشبختی آنان در دنیا
۴۴	جذاب‌بودن حساب صهیونیسم و یهود
۴۴	وجوب شرعی کمک به مردم فلسطین
۴۵	کوتاهی دولتهای مسلمان در مسأله‌ی فلسطین
۴۵	مسأله‌ی فلسطین؛ اساسی‌ترین و مهم‌ترین و اصولی‌ترین مسائل انقلاب
۴۶	ممکن بودن محو کردن اسرائیل با اراده و عزم ملتها
۴۷	انقلاب اسلامی ایران؛ الگوی همه‌ی انقلابهای اسلامی
۴۷	وظیفه‌ی ما در برابر امپریالیزم امریکا و ملتهای مستضعف عرب

مَثَلِ رِیگ و مَثَلِ سَطَل آب!..... ۴۸

بخش اول: کلیات..... ۴۹

فصل اول: اهمیت مسأله‌ی فلسطین..... ۵۱

مسأله‌ی فلسطین؛ مهمترین مسأله‌ی دنیای اسلام..... ۵۱

غمگینی روح مقدس پیغمبر(ص) در عوالم بالا از مسأله‌ی فلسطین..... ۵۱

مسأله‌ی فلسطین؛ فوری‌ترین مسأله‌ی جهان اسلام..... ۵۲

مسأله‌ی فلسطین؛ مصیبت بزرگ جهان بشریت..... ۵۲

اهمیت بیت‌المقدس، در کنار مسأله‌ی فلسطین..... ۵۳

مسأله‌ی فلسطین؛ مسأله‌ی اول جهان اسلام، به دو دلیل..... ۵۴

مسأله‌ی فلسطین؛ مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام..... ۵۶

بیت‌المقدس، محور اصلی..... ۵۶

مسأله‌ی فلسطین؛ محور اصلی خیزش اسلامی..... ۵۷

مسأله‌ی فلسطین؛ مهم‌ترین مسأله‌ی بشریت امروز..... ۵۷

هدف از بحث درباره‌ی فلسطین؛ آزادی آن..... ۵۸

فلسطین؛ پاره‌ی تن اسلام..... ۵۸

حل نشدن مسأله‌ی فلسطین..... ۵۹

مسأله‌ی مهم این دوران، مسأله‌ی فلسطین..... ۵۹

ارتباط فلسطین به سرنوشت غیر فلسطینیها..... ۶۰

جنگ با فلسطین، در واقع جنگ با موجودیت اسلام..... ۶۱

عدم فراموشی فلسطین از خاطر مسلمانان..... ۶۱

فصل دوم: جمهوری اسلامی و مسأله‌ی فلسطین..... ۶۳

مسأله‌ی فلسطین در جمهوری اسلامی؛ مسأله‌ی عقیده، نه یک استراتژی سیاسی..... ۶۳

حمایت از ملت‌های مظلوم بویژه ملت فلسطین، جزو سیاست‌های کلی نظام..... ۶۴

ناقص بودن پیروزی ایران بدون نابودی اسرائیل..... ۶۵

مشخصه‌ی «خط امام»؛ توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس..... ۶۵

جهانی بودن نهضت امام..... ۶۷

امیدآفرینی انقلاب برای فلسطینیها..... ۶۷

موضع ما..... ۶۸

- مسأله‌ی بیت‌المقدس، جزو مسائل ملت و نظام جمهوری اسلامی..... ۶۹
- مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی؛ مایه‌ی امید مسلمانان..... ۷۰
- اهمیت حفظ عزت جمهوری اسلامی، برای تقویت روحیه‌ی ملت‌های مظلوم..... ۷۰
- الگو بودن ایران برای فلسطینیان..... ۷۱
- ایران؛ الگوی مقاومت ملت‌ها..... ۷۱
- پیش‌تازی دولت جمهوری اسلامی در حمایت از فلسطین..... ۷۲
- دمیدن جان تازه در کالبد فلسطین توسط نهضت امام خمینی قدس سره..... ۷۳
- ملت ایران، پشتیبان ملت فلسطین..... ۷۳
- اهتزاز پرچم اسلام توسط امام راحل، موجب بیداری ملت فلسطین..... ۷۴
- دولت صهیونیست و آمریکا؛ دشمن اصلی برای جمهوری اسلامی..... ۷۵
- شروع دوباره نهضت در فلسطین، با ایستادگی جمهوری اسلامی..... ۷۶
- تأثیر انقلاب اسلامی بر مسأله‌ی فلسطین..... ۷۷
- آمادگی ملت ایران برای حضور در صحنه‌ی مبارزه..... ۷۸
- آمادگی جوانان ایرانی برای جانفشانی در فلسطین..... ۷۸
- غیر قابل مصالحه بودن فلسطین..... ۷۹
- دفاع مقدس ایران؛ الگوی فلسطین..... ۷۹
- پیروزی انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان از عوامل شکل‌گیری انتفاضه..... ۸۰
- تبلیغات علیه ایران به خاطر دشمنی با اسرائیل..... ۸۰
- گناه جمهوری اسلامی؛ طرفداری از حق..... ۸۱
- بزرگترین عیب جمهوری اسلامی از نظر امریکا..... ۸۳
- مشکل اصلی امریکا با ایران؛ مخالفت با طرح‌های ذلت‌بار سازش..... ۸۳
- ترسیدن از انزوا به خاطر دفاع از فلسطین..... ۸۵
- فصل سوم: صهیونیسم و اسرائیل..... ۸۷
- صهیونیسم؛ مفهومی وسیع‌تر از اسرائیل..... ۸۷
- صهیونیستها؛ طراح تحولات منفی در سطح بین‌المللی در قالب ناتوی فرهنگی..... ۸۸
- رژیم صهیونیست امروز، بسیار ضعیف‌تر از رژیم صهیونیست چند سال قبل..... ۹۰
- صهیونیسم، در قلب صفوف دشمنان خونی اسلام و نظام جمهوری اسلامی..... ۹۰
- سیطره‌ی صهیونیسم بر اغلب خیرگزارها..... ۹۱
- سیطره‌ی صهیونیسم بر اغلب مراکز قدرت بین‌المللی، قدرتهای مالی و اقتصادی..... ۹۱

- ۹۲..... اعلام هدف اسرائیل بزرگ توسط صهیونیستها، ...
- ۹۳..... ماهیت اسرائیل
- ۹۴..... رژیم غاصب صهیونیست، واضحترین نمونه‌ی دولت تروریست
- ۹۵..... دو بلا در سطح جهان: بلای تروریسم و بلای حق‌کشی مدعیان زمامداری
- ۹۶..... حيله‌گری اسرائیل؛ تلاش برای به رسمیت شناخته شدن توسط اعراب
- ۹۶..... کوتاه‌امدن در برابر اسرائیل، باعث خشونت بیشتر آن
- ۹۷..... خاصیت قدرت استکباری؛ بی‌توجهی به حقوق دیگران
- ۹۹..... اهداف اسرائیل از به‌دست‌آوردن رسمیت از کشورهای عربی
- ۹۹..... علت فوتمندی اسرائیل؛ دوگانگی دولتهای اسلامی با ملت‌هایشان
- ۱۰۰..... سوء استفاده‌ی دشمن از غفلت مسلمان
- ۱۰۰..... عقب‌نشینی دولتهای اسلامی، موجب گستاخی استکبار
- ۱۰۱..... نقطه‌ی ضعف دشمن، همان نقطه‌ی سختگیری او
- ۱۰۱..... شگرد دشمن؛ انصراف‌دهنها از فلسطین به جاهای فرعی و به مسائل دروغین
- ۱۰۲..... افول قدرت با نبود استدلال و انجام ترور
- ۱۰۳..... ندای صلح‌طلبانه‌ی ریاکارانه‌ی صهیونیستها
- ۱۰۳..... دروغ‌گویی اسرائیل در خواست صلح
- ۱۰۴..... ترفند فریبنده‌ی صلح و دروغ‌گویی اسرائیل
- ۱۰۵..... عامل مهار روح سرکش استکبار، فقط بیداری و اراده‌ی ملتها
- ۱۰۶..... شکست صهیونیست در هدف خود
- ۱۰۷..... شگرد تبلیغاتی صهیونیستها از آغاز: مظلوم‌نمایی
- ۱۰۹..... راهبردهای صهیونیسم و غرب در مواجهه با دولتهای اسلامی
- ۱۱۰..... شکست هیمه‌ی نظامی اسرائیل
- ۱۱۰..... هدف اسرائیل؛ سیطره بر همه‌ی جهان اسلام
- ۱۱۰..... پیوسیدگی رژیم اسرائیل از درون
- ۱۱۱..... اهمیت بین‌المللی مسأله‌ی فلسطین برای اسرائیل
- ۱۱۱..... خطر امنیتی اسرائیل برای کل منطقه
- ۱۱۱..... خطر اقتصادی اسرائیل برای کل منطقه
- ۱۱۲..... حيله‌ی دشمنان؛ تبدیل نقطه‌ی اتحاد مسلمان به نقطه‌ی اختلاف
- ۱۱۳..... تفاوت صهیونیستها و یهود

- بزرگترین خطر برای حال و آینده جهان اسلام؛ دولت غاصب صهیونیست..... ۱۱۳
- سوءاستفاده‌ی اسرائیل از حوادث جهان..... ۱۱۳
- نیاز اسرائیل به صلح..... ۱۱۶
- خوی توسعه طلبی صهیونیستها..... ۱۱۷
- جذبی‌تر شدن دشمنان پس از مشاهده‌ی حرکت‌های اسلامی..... ۱۱۸
- هدف اسرائیل بالاتر از فتوحات فعلی‌اش..... ۱۱۹
- حذف اسرائیل، فقط با کمک همه‌ی مسلمانان..... ۱۲۰
- بایند نبودن اسرائیل به هیچ اصل انسانی و هیچ قانون بین‌المللی..... ۱۲۰
- رژیم اسرائیل؛ یک رژیم غیرقابل اعتماد..... ۱۲۱
- بازدارنده نبودن مذاکره در برابر جنایات اسرائیل..... ۱۲۱
- استفاده‌ی دشمن از سلاح روانی برای خاموش نمودن بیداری امت اسلامی..... ۱۲۱
- جنایت اسرائیل..... ۱۲۲
- دولت صهیونیستی؛ با دوکل و فرومانده در کار..... ۱۲۲
- به بن‌بست کامل رسیدن دولت آمریکا و صهیونیستها در فلسطین..... ۱۲۳
- وحشت اسرائیل از بیداری اسلامی در مصر..... ۱۲۴
- مخالفت با اسرائیل و آمریکا، برگرفته از دستور اسلام..... ۱۲۴
- سکوت محافل حقوق بشر و اسلامی با مشاهده‌ی ستم اسرائیل..... ۱۲۵
- فصل چهارم: غرب و آمریکا و صهیونیسم..... ۱۲۷
- هدف استکبار از ایجاد اسرائیل..... ۱۲۷
- نفوذ صهیونیستها روی دولتهای غربی..... ۱۲۸
- نفوذ صهیونیست بر کشورهای اروپایی..... ۱۲۸
- هدف استکبار؛ حذف هر عنصر مقاومت..... ۱۲۹
- حمایت آمریکا و کوتاهی دولتهای غربی؛ عامل جبران ضعف درونی اسرائیل..... ۱۳۰
- آمریکا و وابستگی‌اش؛ سهیم در شکستهای اسرائیل..... ۱۳۰
- طرح خاورمیانه‌ی بزرگ آمریکا؛ آن روی سکه‌ی افسانه‌ی نیل تا فرات..... ۱۳۱
- هدف آمریکا از حمایت اسرائیل..... ۱۳۲
- حمایت آمریکا از جنایات صهیونیستها..... ۱۳۳
- اشتباه بزرگ استکبار؛ حمایت از رژیم صهیونیستی..... ۱۳۴
- جنایات اسرائیل و حمایت آمریکا..... ۱۳۵

- ۱۳۵..... حمایت بیش‌رمانه‌ی غرب از جنایات اسرائیل
- ۱۳۷..... سکوت و حمایت غرب و آمریکا در برابر جنایات اسرائیل
- ۱۳۸..... گناه کارهای صهیونیستها، به گردن رژیم آمریکا
- ۱۳۹..... حمایت استکبار از اسرائیل، ضامن بقای آن
- ۱۴۰..... هدف صهیونیستها و آمریکا؛ حذف نام فلسطین
- ۱۴۱..... تناقض غرب: تلاش برای نجات حیوانات و سکوت در برابر کشتار انسانها
- ۱۴۱..... بی‌تفاوتی برخی از دولتها و سیاستمداران در برابر کشتار فلسطینیان
- ۱۴۲..... اتحاد شوم آمریکا و صهیونیسم برای دشمنی با اسلام
- ۱۴۳..... دوگانگی مطبوعات غربی درباره‌ی جنایات اسرائیل
- ۱۴۴..... سکوت قدرتها نسبت به جنایات اسرائیل
- ۱۴۴..... نکته‌ی تلخ؛ مظلوم‌نمایی نسبت به غاصب و ظالم‌نمایی نسبت به مظلوم
- ۱۴۸..... رفتار دوگانه‌ی استکبار در برخورد با تروریسم
- ۱۵۲..... تبدیل فلسطینیان به تروریست و اسرائیل به مدافع، در نظر آمریکا
- ۱۵۳..... درک غلط مسؤولان آمریکا از مفهوم تروریسم
- ۱۵۴..... حمایت آمریکا از تروریسم دولتی اسرائیل
- ۱۵۵..... دوگانگی آمریکا در مبارزه با تروریسم
- ۱۵۵..... بزرگترین ظلم؛ تروریست معرفی کردن ملت مظلوم فلسطین
- ۱۵۶..... انتشار ناامیدی درباره‌ی آینده‌ی انتفاضه توسط رسانه‌های غربی
- ۱۵۶..... اسرائیل؛ سگ زنجیری دولت آمریکا
- ۱۵۷..... خواسته‌ی آمریکا و اسرائیل فقط تسلیم شدن فلسطینیها
- ۱۵۷..... منافع اسرائیل؛ خط قرمز آزادی در غرب
- ۱۵۸..... دخالت آمریکا موجب کورتشدن گره‌ی مسأله‌ی فلسطین
- ۱۵۹..... شیاطین صهیونیست؛ وسوسه‌گر سردمداران دولت آمریکا
- ۱۵۹..... آرزوی همیشگی استکبار؛ قربانی کردن آرمان فلسطین پیش پای صهیونیستها
- ۱۶۰..... عدم استحقاق آمریکا برای دخالت در مسائل منطقه
- ۱۶۱..... آمریکا؛ شریک جرم رژیم صهیونیستی
- ۱۶۱..... رسوایی لیبرالیسم در مسأله‌ی فلسطین
- ۱۶۲..... دشمنی آمریکا با گروههای جهادی
- ۱۶۲..... شرم یاد بر شما! این است طرفداری از آزادی؟!۱

۱۶۲	 وقاحت استکیار در انکار حقیقتی به نام «ملت فلسطین»
۱۶۳	 دوگانگی در بحث حقوق بشر توسط غرب
۱۶۵	 فصل پنجم: اسرائیل و دولتهای عرب و مسلمان
۱۶۵	 دشمنی با اسرائیل، غیرقابل جمع با دوستی حامیانش
۱۶۶	 کوتاهی دولتهای اسلامی، سبب رسیدن دشمن به اهداف بدون عقب نشینی
۱۶۶	 سکوت خیانت‌بار سران عرب و مواضع ذلت‌بار مدعیان رهبری فلسطین
۱۶۷	 آزادنبودن ملت‌های مسلمان درباره‌ی اعتراض به جنایات اسرائیل
۱۶۸	 خیانت تشکیلات خودگردان
۱۶۹	 ریختن قبح رابطه‌ی با اسرائیل در میان دولتهای عرب
۱۶۹	 خیانت کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس در به رسمیت شناختن اسرائیل
۱۷۰	 عقب نشینی دولتهای عربی و برقراری رابطه با غاصب
۱۷۱	 نگرانی از همگرایی دولتهای اسلامی با اسرائیل
۱۷۱	 یا با فلسطین یا با دشمنان

بخش دوم: شکست‌ها و پیروزی‌ها

۱۷۵	 فصل اول: تاریخچه‌ی اشغال و عبرتها
۱۷۵	 تاریخچه‌ی اجمالی غصب
۱۷۶	 اسرائیل غده‌ی سرطانی
۱۷۷	 غفلتها در آغاز شکل‌گیری اسرائیل
۱۷۷	 تاریخ مبارزات؛ ابتدای اشغال
۱۷۸	 فتح فلسطین؛ آرزوی دیرین غرب
۱۷۸	 هدف استعمار از تشکیل دولت صهیونیست
۱۷۹	 اهداف اشغال فلسطین
۱۸۰	 سه رکن تسلط غاصبانه‌ی صهیونیستها
۱۸۱	 اصل ماجرای فلسطین
۱۸۳	 مراحل غصب
۱۸۴	 غصب
۱۸۴	 فریکاری صهیونیست‌ها در زمان غصب فلسطین
۱۸۶	 سست‌عنصری، قدرت‌طلبی، راحت‌طلبی و ناهشیاری فلسطینیان؛ سبب اشغال

۱۸۷	تأثیر مخرب پیمان ننگین کمپ دیوید.....
۱۸۸	قرارداد «سایکس - پیکو».....
۱۸۸	علل شکست انتفاضه‌ی اول.....
۱۸۹	مذاکرات اسلو، عامل شکست انتفاضه‌ی اول.....
۱۹۰	حضور عنصر نجس و منفور صهیونیست‌ها، سبب شروع انتفاضه‌ی دوم.....
۱۹۱	اسرائیل در بحران مشروعیت.....
۱۹۲	شکست اسرائیل در انتفاضه‌ی دوم.....
۱۹۳	اثر انتفاضه‌ی دوم؛ وحدت فلسطینیان.....
۱۹۴	بی‌اثر بودن کنفرانس پاییزی.....
۱۹۴	درسها و عبرت‌های مبارزه، بزرگتر از دردها و مصیبت‌های آن.....
۱۹۶	هدف مذاکرات به اصطلاح صلح؛ به‌فراموشی سپردن قضیه‌ی فلسطین.....
۱۹۶	توافق ننگین تشکیلات خودگردان.....
۱۹۸	تکرار عنوان مذاکره با اسرائیل، سبب شکسته‌شدن قبح آن.....
۱۹۹	ثمره‌ی کنفرانس خیانت‌بار فلسطین.....
۱۹۹	مذاکره‌کننده با اسرائیل؛ منفور ملت‌های مسلمان.....
۲۰۰	دو توهم؛ شکست‌ناپذیری اسرائیل و امید همزیستی در کنار آن.....
۲۰۰	سخت‌تر بودن امتحان دوران رفاه از دوران شدت برای فلسطینیان.....
۲۰۱	علت ناتوانی کشورهای اسلامی در نابودی اسرائیل؛ عدم وجود رهبری الهی.....
۲۰۲	یأس، سبب خودداری از ورود به میدان.....
۲۰۳	سختیها و بلاهای ملت‌های مسلمان، ناشی از گم کردن خط توحید عقیدتی و کلمه.....
۲۰۵	فصل دوم: پیروزیها و درسها.....
۲۰۵	ناتوانی رژیم صهیونیستی برای یک رویارویی درازمدت.....
۲۰۵	عبور بر مصیبت‌ها با نظر به ارزش پیروزی.....
۲۰۶	به هم ریختن تمام محاسبات اسرائیل با قیام فلسطینیان.....
۲۰۷	عدم بازدارندگی مذاکره با اسرائیل از جنایات آن.....
۲۰۷	قدرت ملت فلسطین در عین مظلومیت، و عجز صهیونیست‌های غدار جبار.....
۲۰۸	تهدید هر جوان فداکار فلسطینی به قدر یک لشکر.....
۲۰۹	قدرت اسرائیل، ناشی از عدم اتحاد مسلمین.....
۲۱۰	پیام پس از جنگ ۲۲ روزه.....

- ریختن آبروی رژیم صهیونیستی و حامیانش پس از پیروزی ۲۱۱
- شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ و ۲۲ روزه؛ شیب تند سقوط ۲۱۲
- شدت عمل دشمن؛ نشانه‌ی ضعف و بی‌تدبیری ۲۱۳

بخش سوم: مسؤولیتها ۲۱۵

- فصل اول: مسؤولیت مردم فلسطین ۲۱۷
- وظیفه‌ی فلسطینیان ۲۱۷
- وظیفه‌ی فلسطینیان؛ حفظ وحدت ۲۱۸
- لزوم حفظ هوشیاری و اتحاد ۲۱۸
- وظیفه‌ی مردم فلسطین؛ مقاومت ۲۱۹
- وظیفه‌ی فلسطینیان؛ مقاومت و حفظ وحدت ۲۲۰
- هدف دشمنان؛ ایجاد تفرقه در فلسطین ۲۲۱
- ایستادگی، تنها راه پیروزی ۲۲۱
- لزوم روی آوردن فلسطینیان از مشیت و سنگ به سلاحهای آتشین ۲۲۲

فصل دوم: مسؤولیت امت اسلامی ۲۲۳

- مقبول نبودن عذر دولتهای مسلمان در بی‌تفاوتی نسبت به فلسطین ۲۲۳
- افزایش سیر حمایتهای مادی و معنوی و سیاسی از حرکتهای جهادی ۲۲۳
- ارکان مقاومت ۲۲۴
- وظیفه‌ی همه مسلمین و وجدانهای آگاه ۲۲۵
- کمک به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان؛ واجب کفائی بر همه‌ی مسلمانان ۲۲۵
- کمک معنوی، بالاتر از کمک مادی ۲۲۶
- وظیفه‌ی مسلمین و همه‌ی انسانها؛ حمایت مالی ۲۲۷
- وظیفه‌ی همه؛ پاسخ به فریاد کمک خواهی فلسطینیان ۲۲۸
- وظیفه‌ی مسلمین ۲۲۸
- علاج به دست مسلمانان ۲۲۹
- وظیفه‌ی مسلمین؛ حمایت و تجهیز مبارزان ۲۳۰
- کمکهای سیاسی، مالی، بین‌المللی ۲۳۱
- کمک مسلمانان به فلسطین؛ عمل به قرآن ۲۳۱
- وظیفه‌ی مسلمین در قبال جنایات اسرائیل ۲۳۱

۲۳۲	هر حرکت تفرقه‌انگیز در دنیای اسلام؛ گناهی تاریخی
۲۳۲	لزوم خروش امت اسلامی در مقابل جنایات اسرائیل
۲۳۳	احتیاج امت اسلامی به کمک خواستن از ذات اقدس الهی در برابر تهدیدها
۲۳۳	لزوم تکرار کار نمادین اعزام کاروان دریایی به غزم
۲۳۴	وضعیت فلسطین؛ ضعف جهان اسلام
۲۳۵	مسئولیت ملتها در ساختن خاورمیانه‌ی جدید اسلامی
۲۳۶	پاسخ به ندای کمک‌خواهی فلسطینیان؛ شرط مسلمانی
۲۳۶	وظیفه‌ی مسلمین: فشار آوردن به دولتها برای کمک به فلسطین
۲۳۶	یک هویت جمعی بین‌المللی زنده‌ی خسته‌نشو، متکی به ایمان
۲۳۷	شکر نعمت قیام فلسطینیان توسط مسلمین
۲۳۹	فصل سوم: مسئولیت جمهوری اسلامی و ملت ایران
۲۳۹	وظیفه‌ی شرعی ما؛ دفاع از ملتهای مظلوم
۲۴۰	وظیفه‌ی ملت ایران؛ حمایت مالی
۲۴۰	بزرگترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما
۲۴۳	فصل چهارم: روز قدس
۲۴۳	فایده‌ی اعتراضات مردمی به جنایات اسرائیل
۲۴۳	زنده‌نگه‌داشتن روز قدس
۲۴۴	اثر بزرگداشت روز جهانی قدس
۲۴۴	وظیفه‌ی ملتها در روز قدس
۲۴۵	روز قدس؛ عامل شکست دشمن غاصب
۲۴۶	تأثیر اعلام حمایتها از مبارزین
۲۴۷	مبارزه‌ی حامیان اسرائیل با روز قدس
۲۴۸	روز قدس؛ بیداری لیلۃ‌القدر امروز تاریخ اسلام تا مطلع‌الفجر نجات
۲۴۸	تشکر از ملت ایران به‌خاطر بزرگداشت روز قدس
۲۵۰	شرکت در راهپیمایی روز قدس، در سرما و گرما؛ دلیل اعتماد مردم
۲۵۱	روز قدس؛ عامل فشار ملتها
۲۵۱	روز شریف قدس؛ یادگار فراموش‌نشدنی امام بزرگوار
۲۵۲	دست قدرت الهی؛ عامل جذب دلها برای شرکت در راهپیمایی روز قدس
۲۵۳	روز قدس؛ روز آزمایش بزرگ ملتهای مسلمان

۲۵۳	نقش روز قدس در حفظ یاد فلسطین
۲۵۴	همه‌گیر شدن گرامیداشت روز قدس در جهان
۲۵۵	روز قدس؛ عامل زنده ماندن نام فلسطین
۲۵۶	روز قدس؛ نماد صف‌بندی حق در مقابل باطل
۲۵۷	روز قدس؛ مانع ذوب‌شدن فلسطین توسط دولتهای خیانتکار
۲۵۸	روز قدس؛ امید بخش به مبارزین و اسرای در بند اسرائیل
۲۵۸	مقاومت و تظاهرات؛ تابنده‌ی نور امید
۲۵۹	روز قدس پشتوانه‌ی امنیت کشور ما
۲۶۱	فصل پنجم: مسؤولیت دولتهای اسلامی
۲۶۱	وظیفه‌ی ملتها و دولتهای مسلمان
۲۶۲	حمایت از فلسطین؛ وظیفه‌ی الهی و سیاسی
۲۶۳	وظیفه‌ی دول اسلامی؛ قطع یکماهه‌ی نفت، برای سرکوب اسرائیل
۲۶۴	نابودی اسرائیل در بکارگیری همه‌ی امکانات جهان اسلام
۲۶۵	وظیفه‌ی دولتها؛ همراهی با خواسته‌ی ملتهای مسلمان
۲۶۷	وظیفه‌ی دولتها
۲۶۷	وظیفه‌ی دولتهای مسلمان؛ قطع رابطه
۲۶۸	مسؤولیت سران اسلامی برای حمایت هماهنگ از فلسطین
۲۶۸	کمک سیاسی، مالی، تبلیغاتی
۲۶۹	وظیفه‌ی دولتهای مسلمان در قبال جنایات اسرائیل
۲۶۹	احساس مسؤولیت دولتها
۲۷۰	لزوم هوشیاری دولتهای اسلامی
۲۷۰	عدم استفاده‌ی مسلمانان از داراییهای مادی و معنوی؛ عامل تسلط دشمنان
۲۷۱	مسؤولیت تاریخی دولتهای اسلامی؛ دفاع صریح از ملت فلسطین
۲۷۱	لزوم پرهیز دولتهای اسلامی از عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی
۲۷۲	امروز روز به دست گرفتن ابتکار عمل توسط مسلمانان
۲۷۲	وظیفه‌ی دول اسلامی؛ قطع تمام روابط سیاسی و اقتصادی
۲۷۳	وظیفه‌ی دولتهای مسلمان؛ خروج از حال انفعال
۲۷۴	مسؤولیت سران عرب نسبت به جنایات اسرائیل
۲۷۴	ایستادگی در مقابل خباثتهای صهیونیستها، با استفاده از ظرفیتهای دنیای اسلام

.....	آزمون سخت برای دولتهای عربی، کنفرانس اسلامی و اتحادیه‌ی عرب	۲۷۵
.....	فصل ششم	۲۷۷
.....	مسئولیت رسانه‌ها	۲۷۷
.....	وظیفه‌ی رسانه‌ها در دفاع تبلیغاتی از فلسطین	۲۷۷
.....	وظیفه‌ی رسانه‌های خبری	۲۷۹
.....	لزوم استفاده از روشهای تبلیغاتی برای مبارزه با اسرائیل	۲۸۲
.....	فصل هفتم: مسئولیت نخبگان	۲۸۵
.....	مسئولیت علما، روشنفکران، سیاستمداران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان و ...	۲۸۵
.....	وظیفه‌ی روشنفکران در مبارزه با جنگ تبلیغاتی دشمن	۲۸۷
.....	وظیفه‌ی سیاستمداران، اندیشمندان و روشنفکران نسبت به حفظ وحدت	۲۸۸
.....	وظایف سنگین دلسوزان فلسطین	۲۸۹
.....	کنفرانس تهران در سال ۱۳۷۰؛ کانون امید برای مخالفان سازش	۲۸۹
.....	دست‌آورد مطلوب کنفرانس تهران در سال ۱۳۸۰؛ حمایت معنوی از پایداری	۲۹۰
.....	نقدترین و فوری‌ترین مطالبات ملت فلسطین	۲۹۰
.....	لزوم درخواستهای عملی در کنفرانسها	۲۹۱
.....	فصل هشتم	۲۹۳
.....	مسئولیت دیگر افراد و اقشار	۲۹۳
.....	وظیفه‌ی حجاج؛ لزوم بالاتر بردن بصیرت سیاسی	۲۹۳
.....	وظیفه‌ی حجاج نسبت به مسأله‌ی فلسطین	۲۹۴
.....	انتظار از دولتهای غیر مسلمان (اروپایی)	۲۹۵
.....	فلسطین؛ محل امتحان دولتهای اروپایی	۲۹۶
.....	وظیفه‌ی سازمان کنفرانس اسلامی؛ دفاع از فلسطین	۲۹۶
.....	وظیفه‌ی ورزشکاران	۲۹۷
.....	بخش چهارم: جنایات	۲۹۹
.....	شدت عمل، سبب افزایش خشم فلسطینیان	۳۰۱
.....	هدف جنایات؛ تحمیل خواسته‌های نامشروع، بر مذاکره‌کنندگان سازش	۳۰۱
.....	جنایات کم نظیر اسرائیل	۳۰۲

- ۳۰۲..... سکوت مجامع بین‌المللی و دولتها
- ۳۰۳..... قضیه‌ی فلسطین؛ لک‌هی ننگ بزرگ قرن بیستم
- ۳۰۴..... جنایات غزه
- ۳۰۴..... هدایت الهی؛ عامل ایستادگی مردم غزه
- ۳۰۵..... بازسازی غزه، یکی از فوری‌ترین مسائل فلسطین
- ۳۰۵..... انتقام شکست از حزب الله، با حمله به فلسطین و ایجاد تفرقه
- ۳۰۶..... جنایت و دیکتاتوری اسرائیل
- ۳۰۷..... هدف اسرائیل از جنایات
- ۳۰۷..... جنایت در فلسطین؛ فاجعه‌ی کم نظیر انسانی
- ۳۰۹..... اعتراض همه‌ی آزاداندیشان به جنایات اسرائیل در سال ۸۱
- ۳۱۰..... جنایت حمله به کلیسا
- ۳۱۰..... حمایت بی دریغ غرب از جنایات اسرائیل
- ۳۱۱..... اهانت به مسجدالاقصی
- ۳۱۱..... کشتار نمازگزاران روزهدار در الخلیل و سکوت مجامع بین‌المللی
- ۳۱۲..... جنایت در مسجد الخلیل و کوتاهی تهدادهای بین‌المللی
- ۳۱۴..... وظیفه‌ی دولتها و ملت‌های مسلمان نسبت به جنایت الخلیل
- ۳۱۵..... ظلم و جنایت علیه مردم فلسطین
- ۳۱۵..... جنایت حمله به نمازگزاران در مسجدالاقصی
- ۳۱۶..... تحقیر فلسطینیان در خانه‌ی خود
- ۳۱۷..... جنایات اسرائیل علیه فلسطین
- ۳۱۸..... قساوت و شقاوت صهیونیستها در جنایات غزه
- ۳۲۰..... باطن جنایات در فلسطین
- ۳۲۱..... جنایت اسرائیل و مقاومت جانانه‌ی ملت فلسطین در غزه
- ۳۲۲..... گناه حسنی مبارک در قضیه‌ی محاصره‌ی غزه
- ۳۲۳..... فاجعه‌آفرینی در فلسطین در سایه‌ی مشغول شدن دنیای اسلام به مسائل فرعی
- ۳۲۴..... جنایت حمله به کاروان آزادی و حمایت غرب

بخش پنجم: راه حل‌ها..... ۳۲۵

فصل اول: راه حل غلط..... ۳۲۷

- نامشروع و ناپایدار بودن هر مذاکره با اعتراف به وجود این رژیم ۳۲۸
- عیان بودن نتیجه‌ی مقاومت و سازش ۳۲۸
- بی‌توجه بودن مردم مبارز به تهدید دشمن و قراردادهای صلح خائنانه ۳۲۹
- ممنوع و بی‌فایده بودن مذاکره ۳۳۱
- مذاکرات؛ مصداق ظلم، نه صلح ۳۳۱
- راه حل عادلانه؟! و مبارزه غیرعادلانه؟! ۳۳۲
- آیا جوانان غیور فلسطینی مرده‌اند؟ ۳۳۴
- ترفند کشاندن طرف فلسطینی به مذاکره پس از شکست در میدان نبرد ۳۳۵
- حکایت تشکیلات خودگردان؛ به فراموشی سپردن فلسطین به ۳۳۵
- عاقبت مذاکره با اسرائیل؛ تهاجم ظالمانه‌ی به غزه ۳۳۷
- هدف مذاکرات به اصطلاح صلح؛ به فراموشی سپردن قضیه‌ی فلسطین ۳۳۸
- منفعت کم قراردادهای صلح چون وای ریور ۲ برای فلسطینیان ۳۳۸
- راه جبران خیانت به رسمیت شناختن اسرائیل و ذلت اعراب ۳۳۹
- بی‌ارادگی سران کشورهای اسلامی بر محو اسرائیل ۳۳۹
- فصل دوم: راه حل صحیح ۳۴۱
- راه حل مسأله‌ی فلسطین ۳۴۱
- پیشنهاد ما، یک همه‌پرسی ۳۴۲
- راه حل ما ۳۴۸
- قدرت ایمان ملت‌ها، بالاتر از قدرت اتمی ۳۵۰
- دو خصوصیت مبارزه‌ی امروز فلسطینیها ۳۵۱
- معادلات سیاسی و محاسبات مادی؛ مقهور وعده‌ی الهی و فداکاری جوانان مؤمن ۳۵۲
- رمز موفقیت؛ مبارزه در پرتو اسلام نه ناسیونالیسم ۳۵۳
- قیام اسلامی فلسطین؛ نعمت الهی ۳۵۴
- بیداری اسلامی ملت فلسطین ۳۵۴
- لزوم رسیدن به نتایج عملی از کنفرانسه‌های فلسطین ۳۵۶
- نمره‌ی تشکیل اجلاس برای آزادی فلسطین ۳۵۷
- راه حل مسأله‌ی فلسطین؛ مقاومت و مبارزه ۳۵۷
- جایگزین شدن تفکر مبارزه به جای سازش در مسلمانان ۳۵۸
- خطا کلی مبارزه با رژیم غاصب ۳۵۹

- ۳۶۰..... کلید حل مشکلات در دست خود ملتها، نه قدرتمندان
- ۳۶۰..... بسیج فلسطینی
- ۳۶۱..... مقاومت مردم فلسطین، سد راه اسرائیل
- ۳۶۱..... مقاومت؛ سبب عقب‌نشینی صهیونیستها
- ۳۶۲..... مقاومت؛ عامل پیروزی
- ۳۶۲..... علت ناموفق بودن تلاشها برای نجات فلسطین؛ عدم تکیه بر اسلام
- ۳۶۲..... علاج درد فلسطین؛ اسلام و وحدت کلمه
- ۳۶۴..... اقتدار روزافزون، در گرو ایمان
- ۳۶۴..... آزادی فلسطین، به شرط استقامت
- ۳۶۵..... نصرت خداوند در دنیا به مبارزین
- ۳۶۷..... راه حل؛ اتحاد
- ۳۶۷..... حرکت امام حسین (ع)؛ نسخه‌ی حل مسأله‌ی فلسطین
- ۳۷۰..... تنها راه؛ مبارزه

- ۳۷۱..... بخش ششم: قهرمانان
- ۳۷۲..... شهید شیخ احمد یاسین
- ۳۷۳..... پیام تسلیت شهادت شیخ احمد یاسین
- ۳۷۴..... ترور شیخ احمد یاسین، نشانه‌ی سخت‌شدن کار بر اسرائیل
- ۳۷۵..... شهید دکتر فتحی شقاقی
- ۳۷۶..... «فتحی شقاقی»؛ شهید راه یک ارزش انسانی
- ۳۷۷..... شهید رنتیسی

- ۳۷۹..... بخش هفتم: روشنگری
- ۳۸۱..... فصل اول: شبهات
- ۳۸۱..... شبهه؛ مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ای عربی؟
- ۳۸۲..... شبهه؛ پذیرش واقعیتهای شصت ساله
- ۳۸۳..... شبهه؛ تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره با اسرائیل یا غرب یا مجامع بین‌المللی
- ۳۸۵..... شبهه؛ محلی بودن مسأله‌ی غزه
- ۳۸۶..... شبهه؛ چراغی که به خانه رواست

ما از فلسطینها که فلسطینی تر نیستیم!..... ۳۸۷

شبهه؛ اسلام دین صلح..... ۳۸۸

شبهه؛ خرید زمینهای فلسطینیان توسط صهیونیستها..... ۳۸۹

شبهه؛ عدم امکان از بین رفتن اسرائیل..... ۳۹۰

شبهه‌ی ناصبی بودن ملت فلسطین..... ۳۹۰

همزیستی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در قدس..... ۳۹۱

تصور غلط از «بی طرفی»..... ۳۹۲

دشمنی ما، هم با دولت اشغالگر و هم با مردم آن..... ۳۹۲

فصل دوم: نکات..... ۳۹۵

مبنای فقهی دفاع از فلسطین..... ۳۹۵

تهدید ارتباط داشتن ایران با اسرائیل..... ۳۹۶

توهین به وجود مقدس خاتم الانبیاء(ص)؛ انتقام شکست از حماس..... ۳۹۷

بخش هشتم: آینده‌ی روشن..... ۳۹۹

وعده‌ی صدق؛ آزادی قدس..... ۴۰۱

آینده روشن فلسطین..... ۴۰۱

شکست یقینی اسرائیل..... ۴۰۲

بازنگشتن امنیت به اسرائیل برای همیشه..... ۴۰۳

حتمیت پیروزی نهایی فلسطین..... ۴۰۴

نابودی حتمی اسرائیل و آمریکا..... ۴۰۶

حماسه‌ی دفاع از فلسطین به وسیله‌ی نسلهای تازه..... ۴۰۶

موقعیت استثنایی فلسطین، هم از نظر فشارها و هم فداکاریها و مبارزه‌ها..... ۴۰۷

صبر و استقامت افسانه‌ی ملت فلسطین..... ۴۰۷

به نتیجه رسیدن مبارزات برپایه‌ی قرآن..... ۴۰۸

شکست اسرائیل در محو کردن نام فلسطین..... ۴۰۸

وعده‌ی تخلف‌ناپذیر خداوند به مجاهدان صادق..... ۴۰۹

نویدهای شکل‌گیری هویت متحد اسلامی..... ۴۱۰

یأس در دل اشغالگران و امید در ناصیه‌ی ملت فلسطین..... ۴۱۰

ضعیف‌تر شدن دشمن صهیونیست..... ۴۱۱

- ۴۱۱.....بشارت پیروزی به مجاهدین فلسطینی
- ۴۱۲.....پیروزی مبارزان مُصمّم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن
- ۴۱۳.....بیداری اسلامی فلسطین، عامل نجات آن
- ۴۱۳.....برافراشته شدن پرچم فلسطین، با مبارزه

www.ketab.ir

مقدمه

معروف است؛ پیش از جنگ اوّل جهانی و در زمان سلطان عبدالحمید عثمانی گروهی از متنفذین یهودی به او پیشنهاد می‌کنند که سرزمین فلسطین را جهت اسکان یهودیان عالم به آنها بفروشد! جوابی که وی به آنها داد نشان‌دهنده‌ی ته‌مانده‌ی غیرت اسلامی در یک سلطان مستبد عثمانی است.

وی می‌گوید: «ما تاکنون نشنیده‌ایم که یک آدم زنده (ولو محتضر) را کالبدشکافی کنند.» بعد از ناکامی عثمانی در فتح وین سقوط تدریجی این امپراطوری شروع شد. شکست در برابر روسها و از دست دادن کریمه نشانه‌های دیگری از زوال تدریجی این حکومت مسلمان بود. اروپائیان همزمان با محاصره‌ی نظامی و سیاسی عثمانیان، یک جنگ روانی را هم علیه آنها سامان دادند و لقب مرد بیمار اروپا به دولت عثمانی دادند.

دوره‌ی حدود سی ساله‌ی صلح مسلح اروپا که همه‌ی دول قدرتمند اروپا، خود را برای جنگی بزرگ و قابل پیش‌بینی آماده می‌کردند، مجموعه‌ی انگلیس و فرانسه و روسیه که خود را در تقابل با آلمان و اتریش می‌دیدند، زمینه‌های تصرف و تجزیه عثمانی به عنوان متحد ژرمن‌ها را نیز فراهم می‌کردند. در سال ۱۹۱۳ سفرای انگلیس و فرانسه تلاشهای زیادی برای تنظیم قرارداد ۱۹۱۳ معروف به قسطنطنیه بین ایران و عثمانی صورت دادند

که سبب اولیه برای ضرورت انعقاد این قرارداد، تجاوزات متعدد عساکر عثمانی به خاک ایران در سالهای نخستین بعد از انقلاب مشروطه و شکایتها و گله‌مندی ایران بود. اهتمامی که دو دولت بدسابقه‌ی استعماری در شکل‌دهی این قرارداد نشان دادند موجب شگفتی بود که علی‌الخصوص در سال بعد، ۱۹۱۴ یعنی مدت کوتاهی قبل از آغاز جنگ جهانی اول، نواقص و مشکلات قرارداد مرزی قسطنطنیه را با پروتکل الحاقی ۱۹۱۴ به اصطلاح اصلاح کردند.

پس از شروع جنگ و شکست عثمانی و اقدامات بعدی فرانسه و انگلیس معلوم شد که غرض آنها از محکم کردن خط مرزی شرقی عثمانی با ایران، طراحی برای دوره‌ی اشغال پس از فروپاشی آن دولت و زمینه‌سازی برای تقسیم غنائم ارضی در منطقه‌ی خاورمیانه بود. سال ۱۹۱۶ (در اواسط جنگ اول) به‌طور محرمانه قراردادی بین سایکس و پیکو نمایندگان دو دولت انگلیس و فرانسه منعقد شد و عملاً خطوط تقسیم غنائم جنبه‌ی قطعی گرفت. در سال ۱۹۱۷ با نفوذ وزیر خارجه‌ی وقت، انگلیس اعلامیه‌ای صادر کرد و طی آن اعلام نمود که دولت انگلیس خود را متعهد می‌داند که جهت اسکان و سامان‌دهی یهودیان آنها را در فلسطین متوطن نماید. سال ۱۹۱۸ جنگ اول با شکست عثمانی و ژرمنها به پایان رسید. وقتی "لرد آرن بی" ژنرال انگلیسی وارد بیت‌المقدس شد، کلامی تاریخی بیان کرد که ماهیت مهاجمین غربی را نشان می‌داد. نقل است که گفت: «امروز، جنگهای صلیبی به پایان رسید!!» یعنی کینه‌ی شکست فضاحت‌بار صلیبیان در بیت‌المقدس را به صورت میراثی شیطانی در دل داشتند و با اشغال آن، عقده دل را گشودند.

یک‌بار مرحوم حافظ اسد رئیس‌جمهور متوفای سوریه در رابطه با کینه‌توزی صلیبیان، برای اینجانب داستان دیگری را نقل کرد و گفت: «وقتی ژنرال گورو» یکی از فرماندهان فرانسوی در جنگ اول جهانی وارد دمشق شد به سر قبر صلاح‌الدین ایوبی، فاتح جنگهای صلیبی رفت و بر آن پای کوبید و گفت: «صلاح‌الدین ما بازگشتیم!!»

بعد از اتمام جنگ جهانی اول، جامعه‌ی ملل، جهت برقراری به اصطلاح

صلح و امنیت در جهان و جلوگیری از تکرار فاجعه‌ی جنگ توسط فاتحین و صد البته در جهت مقاصد و منافع پس از جنگ آنها تشکیل شد و قیمومت فلسطین را به انگلیس داد، یعنی به غصب قبله‌ی اوّل مسلمین توسط انگلیس مشروعیت بخشید و انگلیس هم وعده بالفور را به تدریج اجرایی کرد. به این ترتیب که با کمک بقیه‌ی غربیان به شمول اتحاد جماهیر شوروی، یهودیان را به فلسطین کوچ دادند و با کمکهای پنهان و آشکار آنها مسلمانان را از خانه و کاشانه و سرزمین آباء و اجدادیشان اخراج کردند و املاک آنها را تحویل صهیونیستها دادند که درصدد پیاده کردن طرح هرتزل، مصوبه‌ی اوّلین کنفرانس صهیونیسم (در سال ۱۸۹۷) بودند.

بزرگمائی جنایات نازیها در جنگ دوّم جهانی علیه یهود، موجب به کار گرفتن وسائل ارتباط جمعی غرب و امکانات هنری هالیوود برای مظلوم‌نمایی افراطی یهودیان از جمله اقدامات زمینه‌ساز برای مشروعیت بخشیدن به توطئه غرب برای اشغال سرزمینهای اسلامی و قبله‌ی اوّل مسلمین بود. این مجموعه اقدامات از شگفتیهای روزگار ما بود که به فرض صحت همه‌ی ادعاها در رابطه با یهودی‌کشیهای آلمانها، چرا باید مسلمانان غرامت اقدامهای ضدبشری ژرمنهای پروتستان را بدهند؟!

سازمان ملل متحد بعد از جنگ دوّم با همان مقاصد، توسط دول فاتح تشکیل و جانشین جامعه ملل شد و از اوّلین اقدامات این سازمان، تصویب تشکیل کشور اسرائیل بود که تمامی صاحبان حق و توبه آن رأی مثبت دادند و یک سلسله‌ی جدید از جنگهای صلیبی جدیدی (صلیبی - صهیونیستی) آغاز گردید. بعد از جنگ اوّل جهانی مخالفت علما و اندیشمندان جهان اسلام و مقاومت مسلمانان به خصوص فلسطینیان شروع شد و عملاً مبارزاتی جنگ احزاب تکرار شد و کلّ کفر در برابر کلّ اسلام قرار گرفت.

مقاومت در برابر اشغال فلسطین و قدس، محور مبارزات اعراب و جهان اسلام گردید. اتحادیه عرب حول محور آزادی فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی پس از آتش زدن مسجدالاقصی با محوریت آزادی قدس تشکیل گردید. چهار جنگ بین اعراب و اسرائیل در سالهای ۱۳۲۷ (۱۹۴۸)، ۱۳۳۵ (۱۹۵۶)، ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) و ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) اتفاق افتاد که تقریباً همه‌ی آنها

منجر به شکست اعراب در برابر اتحادیه‌ی غرب- صهیونیسم شد. هر جنگ و هر شکستی خود موجب تحولات اساسی در جهان عرب شد. در بین فلسطینیان نیز این فراز و نشیبهای عظیم سیاسی- نظامی موجب تحولات فرهنگی- فکری عمیقی گردید. کودتای نجیب- ناصر در مصر، عبدالکریم قاسم در عراق، روی کار آمدن حزب بعث در سوریه، انقلاب الجزایر، کودتای عبدالله سلال در یمن، جعفر نُمیری در سودان، معمر قذافی در لیبی تحت تأثیر ناسیونالیسم چپ عربی صورت گرفت و مبارزات عدنیها باعث آزادی عدن و تشکیل کشوری تحت نام جمهوری دموکراتیک یمن به ریاست قحطان الشعبی شد. فلسطینیان نیز تحت تأثیر این تحولات سریع و فجایع وحشتناک صهیونیستها، مراحل دشواری را پشت سر گذاشتند و راههای مختلفی را در طول مبارزات خود آزموده‌اند.

حاج امین الحسینی، مفتی بیت المقدس، لجنه‌ای سیاسی مرکب از نمایندگان دولتهای اسلامی تشکیل داد با این امید که بتواند حقوق غصب‌شده‌ی فلسطینیان را از طریق مجامع بین‌المللی استیفا کنند. عزالدین قسام، عارف وارسته‌ی فلسطینی تفنگ در دست گرفت و با مریدانش با صهیونیستها و انگلیسیها جنگیدند. ناامیدی از لیبرالیسم غربی گروهی از فلسطینیان را به سوی سراب مارکسیستی و قبله‌گاه گرمین سوق داد که برخی از مسیحیان فلسطین نظیر جورج حبش و نایف خواتمه نقش اساسی در این میان داشتند. ناامیدی از قوم‌گرایی عربی و چپگرایی، فلسطینیان را به سمت نهضتهای اسلامی سوق داد. جنبش فتح سرشاخه فلسطینی اخوان المسلمین تشکیل شد. از سوی دیگر شکست ناصر در جنگ ۶ روزه سال ۶۷ پایانی موقت بر مبارزه‌جویی عربی از نوع چپ قومی بود و مرگ او در سال ۱۳۴۹، یکسره خط پایانی ناصریسم را رقم زد، فلسطینیان جنبش فتح با انگیزه‌های اسلامی در نبرد کرامه با نیروی پانصد نفری سپاهیان ۱۲ هزار نفری صهیونیستها را در کنار نهر اردن شکست دادند. سقوط سطوت ناصر و پیروزی چشمگیر فلسطینیان موجب شد که ملک حسین در اردن در غیاب قدرت ناصریستها، فلسطینیان را سرکوب و قتل‌عام کند که یکبار دیگر معلوم شد که حکومت اردن جزء مکمل سلطه‌ی غرب بر قلب جهان اسلام بود که آنجائی که وارثان

بن‌گورو یون در مقابل مبارزان مسلمان ناتوان می‌شوند فرزند عبدالله اردنی نقش عبدالله بن ابی منافق صدر اسلام را ایفا کند و ماجرای سپتامبر سیاه را به راه انداخت که در همان سال با فاصله‌ی کوتاهی جمال عبدالناصر سکنه کرد و شایع شد قتل عام فلسطینیان توسط شاه اردن، مرگ ناصر را سبب شد.

با مرگ ناصر، شعله‌ی پان عربیسم کم‌نور شد، مبارزه بی‌قدر و قیمت گردید و علفهای هرز سازش و وادادگی رشد کرد. انورالسادات خون شهدای فلسطین و عرب را در کمپ‌دیوید در طبق ذلت گذاشت و در حضور کارتر تقدیم مناخیم بگین کرد. عصر سازش آغاز شد و قریب ۲۰ سال به درازا کشید. یاسر عرفات تنگ را بر زمین گذاشت و با شاخه‌ی زیتون به سازمان ملل رفت. حکومت‌های عرب و فلسطینیان قدم به قدم عقب نشستند و تشکیل جبهه‌ی پایداری توسط کشورهای سوریه، لیبی، الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم دردی دوا نکرد و با فروپاشی شوروی آن نیز فروپاشید.

سلسله حلقات سازش که از گفتگوهای راجرز شروع و با کمپ‌دیوید اوج گرفته بود، در مادرید شدت گرفت و در اسلو بر روی کاغذ آمد و در وای ریور و واشنگتن و کمپ‌دیوید ۲ به کمال رسید.

این سلسله سازش هر چه جلوتر می‌رفت دست رژیم صهیونیستی بازتر و حلقه‌ی محاصره عرفات تنگ‌تر می‌شد تا اینکه سرانجام در رام‌الله رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین به محاصره کامل درآمد و شاید به دست نفوذی‌های صهیونیستها مسموم شد و عملاً سازش به اجتناب افتاد.

اگر مجدداً به عقب برگردیم و نقش علمای شیعه را در امر فلسطین بررسی کنیم پرونده‌ی پیچیده فلسطین را که از قریب یک قرن تاکنون نقش محوری در جهان اسلام داشته است به کمال نزدیک‌تر کرده‌ایم.

مسأله‌ی اشغال فلسطین بازتاب‌های متعدّد و گسترده‌ای را در سراسر جهان به دنبال داشت. یکی از واکنش‌های مهم در قبال این رویداد، برخوردی بوده که از جانب روحانیت شیعه صورت پذیرفت و بدون هیچ تغییری، در طول هفتاد سال گذشته ادامه یافته است. علامه مطهری دلیل این خصیصه‌ی روحانیت شیعه را چنین برمی‌شمارد: روحانیت شیعه در ذات خود یک نهاد

مستقل است. از نظر روحی به خدا متکی بوده و از نظر اجتماعی به قدرت مردم و لهذا در طول تاریخ به صورت یک قدرت رقیب در مقابل زورمندان ظاهر شده است.

حال با توجه به این ویژگی باید بدانیم که این طبقه از اندیشمندان مسلمان اصولاً با مسائلی چون موضوع فلسطین و نفوذ صهیونیستها چه برخوردی را می نمودند و مقابله با آن را به چه قسمی لازم می شمردند. یکی از روحانیون گمنام ایران به نام محمدحسن بن محمدابراهیم گیلانی که با حادثه‌ای مشابه قضایای فلسطین، در عهد خود مواجه شده بود، حکم واجب را برای مقابله با این خطر یکی از اقسام جهاد بیان داشته، و وجوبش را چنین متذکر می شود:

«دوم جهاد در صورت هجوم اهل شرکت و ضلالت است بر بلاد مسلمانان، به نوعی که خائف باشند اهل بلاد از غلبه و استیلای اهل کفر بر بلدان، یا اگر چه قلیل شد اخذ مال ایشان و این نوع جهاد واجب است بر کافه‌ی مسلمانان که قادر باشند بر جهاد... و این جهاد در غیبت و حضور امام (ع) بی تفاوت رواست».

شیخ محمدرضا همدانی از علمای عصر ناصری نیز در رساله‌ای به نام ترغیب المسلمین الی دفاع المشرکین، طی حکم صریحی در برابر چنین هجوم و صدمه‌ای می نویسد:

«جهاد که غرض حفظ بیضه اسلام و انتظار امر معاش و معاد انام است، مادام که غرض صورت نیافته، امر به جهاد باقی است».

مطالعه‌ی تاریخ معاصر جنبشهای شیعی، روشن می سازد که همین طبقه‌ی روحانیت در سخت ترین شرایط و هنگامی که شداید از هر سو اساس و بنیان جامعه‌ی اسلامی را در معرض آفات و حوادث قرار می داد، نه تنها در کسوت راهبری جهاد درمی آمدند، بلکه با ژرف اندیشی و دقت نظر به سرعت مطامع استعماری یا اهداف درازمدت پیگانگان را شناسایی کرده، مانع از وصول ایشان به مقصد غایی خود می شدند. برای مثال، وقتی که در عراق قوای انگلیسی به مبارزه با مردم برخاستند و کوشیدند تا قیام ملت عراق را از مجرای طبیعی خود منحرف سازند و شرایط دشوار و خفقان آوری را پدید

آوردند، این انقلاب شیعیان عراق به رهبری روحانیون بود که ایشان را ناامید و محکوم به شکست کرد. یکی از علمای نجف که در سالهای جنگ جهانی اول شاهد قیام شیعیان نجف بوده و حوادث را به دقت ثبت کرده، در بخشی از خاطرات روزانه‌اش درباره‌ی علل قیام و جهاد شیعیان می‌نویسد:

«بعضی دیگر را اعتقاد بر این باشد که محض عرق اسلامی و حمیت اسلامی بوده [که] نتوانسته ببیند که بلده مقدسه‌ی نجف که مرکز روحانیت و دیانت و قبه اسلام [و] چشم و چراغ اسلامیان است در تحت فرمانروایی صلیبان حکمران و آمر بر این بقعه‌ی مقدسه که مظاف ارواح مقدسه‌ی انبیاء و اولیاء و ملائکه مقربین و محیط رحمت و فیوضات حضرت احدیت بوده... بیرق تثلیث بالاسر جقه توحید کوبیده شود.»

روحانیت شیعه با اتکا به چنین پشتوانه‌هایی و با توجه به وظیفه‌ی شرعی خود در خصوص قضیه‌ی فلسطین، از همان ابتدا حرکتی را آغاز کردند که دقت در اهداف و مواضع نخستین این رهبران دینی و مقایسه‌ی آنها با آمال امروزی ایشان، ما را مطمئن می‌سازد که روحانیون شیعه به‌واقع از جمله سرسخت‌ترین و سازش‌ناپذیرترین مجموعه‌هائی بوده‌اند که در برابر خطر صهیونیسم بدون هیچ‌گونه تأمل و مسامحه‌ای از خود واکنش نشان داده‌اند. مرحوم آقامحمدحسین آل کاشف‌الغطاء، اعلم علمای نجف در پاسخ به استفتای محمدصبری عابدین، آموزگار حرم شریف قدس، مطابق اسناد موجود فتوایی را به این مضمون انتشار می‌دهد:

«جَلَّ شَأْنُهُ مِی‌فرماید «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ»^۱. چه ظلمی از این بالاتر می‌باشد که انسان حقوق‌فروشان و احفاد خود را از بین ببرد و پایمال نماید و بلکه می‌توان گفت چه ظلمی از این بالاتر است که انسان حق مقدسات و دین خود را پایمال کرده و از عظمت نوامیس و قرآن خود بکاهد.»

او سپس با اشاره به فروش اراضی فلسطین و حکم شرعی افرادی که در این گونه معاملات دست داشته‌اند، چنین اظهارنظر می‌کند:

۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۰۲

... آیا بعد از این همه یقین ندارند که این فروش جنگ با اسلام می باشد؟ آیا کسی شک دارد که این فروش یا همراهی در فروش یا کوشش و دلالتی با رضایت در این کارها جنگ با خدا و پیغمبر [ص] او، پایمال نمودن دین اسلام است؟... آنها را از دین و حوزه ی اسلام خارج و جزء کفار بشمارید و در تمام کارها از آنها دوری کرده و با آنها ازدواج ننموده و با آنها معاشرت نکرده و همچنین خرید و فروش و سلام و علیک و رفت و آمد و گفت و شنید با آنها ننموده و به علاوه مرده های آنها را مشایعت نکرده و در قبرستانهای مسلمانان هم دفن ننمایند. اسامی آنها را بایستی در تمام مجامع «نوادی» و روزنامه ها و مجله ها به اسم خارج شدگان از دین معرفی کرده و اسم ببرید...
 "محمدحسین آل کاشف الغطاء، نجف اشرف"

موضوع مخالفت علما با طرح تقسیم فلسطین در جامعه ی ملل شاید به واقع گام آغازین رویارویی علمای جهان اسلام و غرب بود که پرچم آن را روحانیت شیعه ی ایرانی مقیم عراق بلند نمود. این بزرگان با فراخوان سایر علمای اسلامی، این مهم را بی واهمه و هراس چنین به فعالیت درآوردند: آقایان هبه الدین شهرستانی و سید محمد مهدی صدر و سید محمد مهدی اصفهانی که از علمای ایرانی ساکن بغداد و کاظمین هستند و شیخ راضی آل یاسین که از علمای شیعه ی عرب است با شرکت یوسف عطا، مفتی بغداد و حبیب العبدی، مفتی موصل و ابراهیم راوی که هر سه از علمای درجه اول موصل و بغداد هستند، تلگرافی به مضمون ذیل به جامعه ی ملل و وزارت خارجه ی انگلیس مخابره نموده اند:

«اینجانبان که نمایندگان روحانی مذاهب اسلامی هستیم، از قرار کمیسیون سلطنتی راجع به تقسیم فلسطین که یک کشور اسلامی و عربی عربی است اظهار عدم رضایت نموده و نسبت به آن اعتراض و آن را یک ضربتی به قلب اسلام و عرب می دانیم.»

آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی طی یادداشتی برای سفارت دولت ایران در بغداد اظهار امیدواری می کند که دولت ایران در جامعه ی ملل از همه گونه تلاش برای دستیابی ملت فلسطین به حقوق حقّی خویش فروگذاری ننماید. علامه کاشف الغطاء در اقدامی همسو با فعالیت آقا سید ابوالحسن

اصفهان، پادشاه وقت عراق، ملک غازی را مورد همین گونه خطاب قرار داده است. سفارت ایران در بغداد این حرکت را این گونه تشریح می‌کند:

«علمای عرب شیعه‌ی نجف مجدداً تلگرافهایی به ملک غازی و کمیسر عالی فلسطین مخابره نموده و از مظالم انگلیس در فلسطین دادخواهی کرده‌اند. آقای شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء که از مشاهیر علمای عرب در نجف می‌باشد نیز تلگرافی به کمیسر عالی انگلیس و کمیسیون فنی انگلیس مخابره نموده و اضافه کرده است که مردم از علما فتوای جهاد خواستند...»

یکی از جراید بغداد هم خبری را درج می‌کند که نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی مبارزاتی و خدشه‌ناپذیر روحانیون است. براساس خبر النهار بغداد، علمای اسلام در ۱۳۱۷/۳/۲۵ با اجتماع «در تحت قبه حضرت امیر[ع] در نجف تجمع نموده، در باب صدور حکم جهاد مذاکراتی نموده و حکم مزبور به امضای همه‌ی آقایان علما صادر خواهد شد و ریاست جلسه‌ی مزبور هم با آقای کاشف‌الغطاء خواهد بود. روحانیون شیعه برای بررسی این موضوع از علمای سوریه، لبنان، اردن، مصر، یمن، امارت نشینهای خلیج فارس، ترکیه، افغانستان و ایران دعوت کرده‌اند که در این اجلاس حضور یابند. علامه کاشف‌الغطاء سپس خود رأساً حکم جهاد را صادر کرد:

«ای اسلام و ای عرب، بلکه ای برادر و با اینکه ای بشر، وضعیتی که فلسطین سر بریده به آن رسیده است به نظر همه مشهود و عیان شده و چنان که گفته‌ایم باز هم می‌گوییم که موضوع فلسطین قضیه‌ی بالاختصاص خود فلسطین نبوده... ای عرب، ای مسلمین، ای بشر، جهاد در فلسطین بر هر انسان واجب شده، نه بر عرب و مسلمین تنها... این است دعوت و ندای عمومی اینجانب که به امت عرب و اسلام می‌فرستم. خدا گواه است که اینجانب از دهی ششم عمر تجاوز کردم و اگر ازدحام و ازدیاد انواع علل رنجوری بر این استخوانهای پوسیده‌ام حمله نمی‌آوردند، اول شخصی بودم که به این دعوت لبیک می‌گفتم... "محمدحسین آل کاشف‌الغطاء"

او سپس در فتوایی دیگر به تقسیم‌بندی کشورهای جهان اسلام می‌پردازد که باید در این جهاد نقش ایفا نمایند. به‌زعم ایشان، نخستین کشوری که

باید رایت جهاد برمی داشت اردن هاشمی بود که زعمای آن ادعای سیادت می نمایند و پس از آن، حجاز است که به دلیل پرتوافکنی خورشید اسلام باید قدم در این راه بگذارد. آن گاه مصر و سوریه را مورد خطاب قرار داده، آنها را به دلیل همجواری ذی حق می شمارد و سپس می گوید:

«می گویند چهارصد میلیون مسلمان در کره‌ی زمین موجود است. چطور می شد اگر ده یک این عده از راه غیرت اقدام نموده، برای ادای وظیفه‌ی خویش نسبت به فلسطین، و به یاری مجاهدین آن ملحق می شدند؟ البته گره‌ی فلسطین گشوده می شد، اشغال آن خاتمه می پذیرفت... به خدا قسم که از مرحله خیلی دور افتادیم و پرت گشتیم و هنوز آنچه را که باید بیان نکردیم... کنگره‌ها منعقد و مقررات آن تقدیم می شود و هیئت‌ها برای لندن مسافرت می کنند، با همه‌ی اینها قشون انگلیس شکم زنهای آبدستن را در فلسطین سفره می کند، بی گناهان را بی جان و خونهای پاک را روان می سازد و با تمام شدت به تبهکاریهای بزرگ خود ادامه می دهد و حجاز و اردن هم با چشم و گوش همه چیز را می بینند و می شنوند، با وجود این با کمال تفریح رفت و آمد دارند. حتی دویز آنها از بجای خود نچینیدند. ای کاش به این هم اکتفا و شر خود را از سر فلسطین کوتاه می کردند و با ستمکاران مساعدت و همراهی نمی نمودند. ولی عموم مسلمانان در اقطار زمین چیزی که دارند اعتراض هست، هیاو، نطق، مقاله نویسی، شعرگویی و بعضی مساعدتهای مادی بسیار کم که حال یک قطره آب بر سنگ را دارد و حال آنکه خیلی از مسلمانان دارای هزاران بلکه میلیونها لیره هستند. آیا هیچ شنبیده شد یکی از آنها با هزار لیره استرلینگ کمکی کرده باشد، چنان که یهودیان که عده شان کمتر و طبعشان پست تر است، می کنند؟

این جماعات نمایانگر روح حاکم بر روحانیت شیعه است. اگر منصفانه مورد قضاوت قرار گیرد، بیانگر درد اصلی جهان اسلام بوده و هست. دردی که اگر چه بیمار مبتلا به آن تاکنون تاوان سنگینی را برای تسکینش پرداخته، اما حاضر نشده به درمان اساسی خود برخیزد. علامه کاشف الغطاء در پایان اعلامیه‌ی خود با رشادت جملاتی را می نویسد که به واقع زبینه‌ی اوست. او که درد اصلی جهان اسلام را یافته، این صراحت را دارد که حقایق را هر چند تلخ و ناگوار، بیان کند تا شاید مسلمانان به خود آیند و سر از خواب

غفلت بردارند. کلام او در این باب چنین است:

«با وجود همه‌ی اینها، کاش مسلمانان به حق اعتراف کنند و حقیقت را پاک و پوست‌کنده اظهار نمایند. آن حقیقت این است که بلیه مسلمانان از خود مسلمانان است و از بلیه صهیونی و انگلیس خیلی بزرگ‌تر می‌باشد. این حقایق آشکار را هر کس می‌داند و جز شاگرد کوچک دبستان کسی آن را ابراز نمی‌نماید. نجف اشرف، مدرسه‌ی کاشف‌الغطاء، محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، ۲۴ شوال ۱۳۵۷ برابر ۱۹۳۸/۱۲/۱۸.»

در همه‌ی چهل قرن چهاردهم هجری شمسی آغاز حرکت آشکار امام خمینی و تلاش جدی‌تر ایشان در حوزه‌ی سیاست نقش اساسی در پایه‌گذاری موج جدید بیداری اسلامی در ایران و جهان اسلام داشت. هدف‌گیری داخلی مبارزه‌ی ایشان در داخل کشور، اسقاط رژیم پهلوی و جایگزینی آن با یک نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، در منطقه‌ی جهاد علیه صهیونیسم و تلاش برای آزادی فلسطین و در بُعد جهانی تقابل با استکبار و در رأس آن آمریکا بود.

اگر بخواهیم هدف اصلی مبارزه‌ی حضرت امام (ره) را در یک جمله خلاصه کنیم می‌شود: «رهائی ایران و جهان اسلام از قید سلطه و استکبار، اعاده‌ی عزت و عظمت مسلمین، تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای ارزشها و مبانی اسلامی.»

ایشان وجود رژیم استبدادی پهلوی را در ایران، نفوذ صهیونیسم در منطقه‌ی خاورمیانه و حاکمیت سلطه‌ی غرب و شرق بر کل جهان را حلقه‌های یک سلسه‌ی مرتبط با هم می‌دانست و به حق معتقد بود که اگر قرار است ایران آزاد شود و جهان اسلام عزت گذشته را بازیابد باید با هر سه عامل مزبور مقابله کرد و یکی از رموز اصلی موفقیت نهائی انقلاب اسلامی و ماندگاری جمهوری اسلامی ایران همین جامع‌نگری حضرت امام (ره) بود. فروپاشی شوروی سابق و بهم ریختگی دنیای دوقطبی شکل گرفته بعد از جنگ دوم جهانی در پیمان یالتا، موجب تحولات عظیمی در جهان شد.

مک‌لوهان موضوع دهکده جهانی را مطرح کرد و بوش پدر اعلام کرد که دنیای آینده یک‌قطبی است و آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت باقیمانده